

دکتر دیوید ترنر، انجیل یوحنا، جلسه ۱۰

یوحنا ۸

دیوید ترنر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر دیوید ترنر است که در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا است. این جلسه دهم، «زمان‌های پرتنش در اورشلیم» است. عیسی همچنان در معبد تعلیم می‌دهد (یوحنا ۸: ۱۲-۵۹)

سلام، من دیوید ترنر هستم. به ویدیوی ما در مورد یوحنا فصل هشتم خوش آمدید.

در ویدیوهای اولیه‌مان در مورد معرفی انجیل یوحنا، در ویدیوی دوم، کمی در مورد تفاوت‌های متنی و سایر مسائل مربوط به نحوه‌ی دریافت انجیل یوحنا بحث کردیم. اکنون با تفاوت‌های متنی اصلی در یوحنا، از یوحنا ۷:۵۳ تا فصل هشتم، آیه ۱۱، روبرو هستیم. مدتی را صرف آن خواهیم کرد، به اصطلاح زناکار Pericope، ماجرای زن زناکار.

و سپس به بقیه باب هشتم انجیل یوحنا می‌پردازیم، همانطور که به جریان روایت نگاه کرده‌ایم، سپس سعی کرده‌ایم موضوعات مهم مربوط به این باب را از جنبه‌های مختلف مطالعه خود جدا کنیم. بنابراین، وقتی دوباره به باب هشتم انجیل یوحنا نگاه می‌کنیم، به خودمان یادآوری می‌کنیم که در اورشلیم هستیم. عیسی در داخل و اطراف معبد تعلیم می‌دهد.

ظاهراً کاهنان اعظم و فریسیان در جایی با هم ملاقات می‌کنند. ما در محوطه معبد، گروه‌های دستگیری خود را برای یافتن عیسی می‌فرستادیم. و بنابراین، ما این نمای نقشه و یک عکس هوایی بسیار زیبا را نیز داریم که به ما نشان می‌دهد محوطه معبد، حداقل سکوی بیرونی در آن زمان، چگونه بوده است.

بنابراین، عیسی در اورشلیم تعلیم می‌داد و مقامات گروه‌هایی را برای دستگیری او می‌فرستند. و مردمی که عیسی به آنها تعلیم می‌دهد، پاسخ‌های بی‌شماری به آنچه او تعلیم می‌دهد، و توضیحات بی‌شماری برای اینکه او کیست، دارند، از یک دیوانه‌ی تسخیر شده توسط دیو گرفته تا کسی که مسیح اسرائیل بوده است، و هر چیز دیگری بین این دو، به نظر می‌رسد. بنابراین، با پایان یافتن یوحنا ۷، شورا تشکیل جلسه می‌دهد و در مورد خلاص شدن از شر عیسی صحبت می‌کند.

نیکودیموس به نفع عیسی صحبت می‌کند، حداقل می‌گوید، بیایید به او منصفانه گوش دهیم. و او به عنوان فردی که اساساً جلیلی و نادان است، مورد انتقاد قرار می‌گیرد. من به عنوان فردی اهل جنوب اوهاییو، به شنیدن این عبارت عادت دارم، یک روستایی احمق.

در دوران کودکی و نوجوانی‌ام، در مواقع خاصی با من این‌طور صحبت می‌کردند. بنابراین، آنها در مورد نیکودیموس هم همین‌طور فکر می‌کردند، البته در آن زمان تپه‌ها در شمال بودند، نه در جنوب. بنابراین وقتی یوحنا ۷ به پایان خود نزدیک می‌شود، در یوحنا ۷، آیه ۵۲، سخنان تحقیرآمیزی خطاب به نیکودیموس می‌خوانیم: «آیا تو هم اهل جلیل هستی؟» «به آن نگاه کن».

ما متوجه می‌شویم که هیچ پیامبری از جلیل ظهور نمی‌کند. در نسخه شاه جیمز کتاب مقدس، که به اندازه نسخه‌های فعلی زیاد نیست، این بخش جالب را داریم، این قسمت از عیسی و زنی که توسط فریسیان در عمل زنا ربوده می‌شود، نه به این دلیل که آنها خیلی نگران این موضوع هستند، بلکه آنها می‌خواستند چیزی پیدا کنند تا عیسی را بد جلوه دهند. بنابراین، در برخی از نسخه‌های خطی، بعد از یوحنا ۷:۵۲، فصل ۸، آیه می‌خوانیم که می‌گوید، تعداد کمی، ببخشید، سپس همه آنها به خانه رفتند، اما عیسی به کوه زیتون رفت ۱

و سپس به ماجرای می‌پردازد که در آن زن در حال زنا دستگیر شد. آنها او را نزد عیسی آوردند تا چیزی را علیه او مطرح کنند. عیسی در این مورد صحبت کرد و سرانجام باعث شد که متهمان بدنام شوند.

«آنها رفتند و او به زن گفت:» من هم تو را محکوم نمی‌کنم. پس حالا برو و زندگی گناه‌آلودت را ترک کن

وقتی عیسی دوباره با مردم صحبت کرد، گفت: من نور جهان هستم. بنابراین، وقتی این متن را ۸:۱۲ می‌خوانیم، متوجه می‌شویم که کمی عجیب به نظر می‌رسد که تمایل دارد جریان را از یوحنا ۷ و آیه ۵۲ به یوحنا فصل ۸، آیه ۱۲ تقسیم کند. اکثر مردم فکر می‌کنند که متن بسیار طبیعی‌تر خوانده می‌شود و مستقیماً از ۷:۵۲ به ۸:۱۲ می‌رود.

آیه ۷:۵۳ به خودی خود کاملاً عجیب به نظر می‌رسد. همه آنها به خانه رفتند، اما عیسی به کوه زیتون رفت. البته، در این مرحله عیسی حتی در تصویر هم نبود.

همه آنها به خانه‌هایشان رفتند. عیسی به کوه زیتون رفت. ۸:۱۲، عیسی با مردم صحبت کرد.

و ناگهان، فریسیان در آیات ۸ و ۱۳ او را به چالش می‌کشند. ما فکر می‌کردیم که همه آنها به خانه‌هایشان رفته‌اند. بنابراین، اگر این متن را بخوانیم، درک دقیق چگونگی جریان کار دشوار است.

گذشته از همه این‌ها، از آنجایی که این بخش عمده‌ای از سنت متنی است و بخش بزرگی از یوحنا است که شاید مورد اختلاف نظر زیادی قرار گرفته، شایسته است که کمی بیشتر در مورد این متن صحبت کنیم. بنابراین، همین الان چند دقیقه‌ای را به این کار اختصاص می‌دهیم. رامبراند در نقاشی‌ای از سال ۱۶۵۸، تصویر بسیار جالبی از زن در کنار عیسی ارائه داده است.

متأسفانه تصویری که اینجا داریم، آنطور که من آنلاین دیده‌ام، حق مطلب را در مورد نقاشی ادا نمی‌کند. بنابراین، اگر به این چیزها اهمیت می‌دهید، شاید بخواهید خودتان آن را آنلاین پیدا کنید تا کمی بهتر آن را ببینید. در حال حاضر، تصویر نسبتاً تاریکی است.

فکر می‌کنم رامبراند هم همین را می‌خواسته. و البته نور، روی زنی که آنجا زانو زده و هق‌هق گریه می‌کند و عیسی که بالای سر او ایستاده، متمرکز شده است. خب، حالا برویم سراغ برخی از مشکلات این متن.

این متن به دلایل مختلف مورد اختلاف نظر متنی است، اما بسیار جالب است. از دیدگاه آنچه محققان متن، شواهد خارجی می‌نامند، این متن در نسخه‌های خطی قدیمی‌تر یافت نمی‌شود. در واقع، در نسخه‌های جدیدتر، در بسیاری از نسخه‌های اخیر، یافت می‌شود.

با این حال، در نسخه‌های خطی اخیر، در نقاط مختلفی قرار دارد. در برخی از آنها، در چند جای مختلف در انجیل لوقا قرار دارد. همچنین در چند جای مختلف در انجیل یوحنا یافت می‌شود.

یکی از جاهایی که این متن در انجیل یوحنا، به غیر از اینجا، پنهان شده، در انتهای انجیل یوحنا به عنوان ضمیمه‌ای برای فصل ۲۱ است. برخی از نسخه‌های خطی آن را در جاهای دیگر نیز آورده‌اند، و در این بخش از انجیل یوحنا، با ستون‌های هر می در حاشیه مشخص شده است تا مردم فکر نکنند که این موضوع غیرقابل انکار است. من می‌توانم به طور خاص به یک نسخه خطی اشاره کنم که در آن، نویسنده نسخه خطی، صفحه را خالی گذاشته تا اگر بعداً تصمیم گرفت که قرار دادن آن در آنجا مناسب است، جایی برای آن باقی بگذارد، اما هرگز این اتفاق نیفتاد.

بنابراین، یک جای خالی در نسخه خطی باستانی وجود دارد که ممکن است آن را در آن قرار داده باشند، اما تصمیم گرفتند این کار را نکنند. این نسخه شامل کلمات زیادی است که به نظر نمی‌رسد در جای دیگری از یوحنا یافت شود. به عبارت دیگر، زبان واقعاً بخشی از شیوه معمول صحبت کردن یوحنا نیست و به نظر می‌رسد که پیوستگی روایی یوحنا ۷ و ۸ را می‌شکند. گذشته از همه اینها، این متن قدرت خاصی دارد

شبیه عیسی به نظر می‌رسد، و اکثر افرادی که به این متن نگاه می‌کنند، با آن همدردی می‌کنند، حتی محققانی که احساس می‌کنند اعتبار آن به عنوان بخشی از انجیل اصلی یوحنا مورد تردید است. بنابراین، افراد بیشتری به این نتیجه رسیده‌اند که اگرچه احتمالاً این متن بخشی از انجیل اصلی یوحنا محسوب نمی‌شود اما به احتمال زیاد یک روایت معتبر درباره عیسی است که پس از نگارش عهد جدید در کلیسا رواج داشته است. ما می‌دانیم که، طبق لوقا، و به طور کلی از تاریخ باستان، روایات مربوط به افراد باستان به صورت شفاهی منتقل شده و معمولاً در مقطعی نوشته شده‌اند، اما نه لزوماً

بنابراین سنت‌های شفاهی قرن‌ها منتقل شده‌اند. همه سنت‌های شفاهی درباره عیسی به عهد جدید راه نیافته‌اند. به نظر اکثر مردم، این [سخن] نشانه‌هایی از یک گفته معتبر از عیسی دارد، بنابراین احتمالاً در اصل بخشی از انجیل یوحنا نیست، بلکه بخشی از زندگی مسیح است.

خلاصه جالبی از این موضوع در کتاب مقدس اینترنتی آمده است. توصیه می‌کنم کتاب مقدس اینترنتی را بررسی کنید و در صورت نیاز به منبع کتاب مقدس از آن استفاده کنید. این منبع آنلاین است

نت مخفف ترجمه الکترونیکی جدید است و سایت بسیار خوبی است که نکات بسیار مفیدی در مورد دستور زبان یونانی و عبری و دلیل ترجمه به این شکل ارائه می‌دهد. و یک صفحه مفید یا بیشتر از نکات مربوط به یوحنا ۷:۵۳ تا ۸:۱۱ وجود دارد. جالب است بدانید که در جای دیگری از عهد جدید، در اعمال رسولان فصل ۲۰، پولس رسول با بزرگان کلیسای افسس صحبت می‌کند و به آنها می‌گوید، می‌دانید، من پول شما را نگرفته‌ام. من برای امرار معاش چادر درست کرده‌ام و سعی کرده‌ام به شما آموزش دهم

درست همانطور که خود خداوند عیسی فرمود، بخشیدن از گرفتن فرخنده‌تر است. البته، اگر سعی کنید آن گفته‌ی عیسی را پیدا کنید، در هر کجای انجیل، بخشیدن فرخنده‌تر از گرفتن است. آن را پیدا نخواهید کرد.

بنابراین، این آشکارا روایتی از عیسی است که پولس دریافت کرده بود و هیچ یک از نویسندگان انجیل صلاح ندیده بودند که آن را در متون خود درباره عیسی بگنجانند. با این حال، ما آن را از زبان پولس می‌یابیم و لوقا آن را در کتاب اعمال رسولان گنجانده است، بنابراین آن را معتبر می‌دانیم. این متنی که در اینجا در یوحنا به آن نگاه می‌کنیم تا حدودی شبیه به همین است، اگرچه شک داریم که واقعاً بخشی از انجیل اصلی یوحنا باشد.

خب، یک متن زیبا که به ما نشان می‌دهد خدا در عیسی گناه را تحمل نمی‌کند، با این حال خدا نازل خواهد شد و گناهکارانی را که از او پیروی می‌کنند، خواهد بخشید. خب، همه ما از این بابت سپاسگزاریم، اینطور نیست؟ پس، از یوحنا ۷:۵۳ تا ۸:۱۱ و دوباره به بخش غیرقابل انکار انجیل یوحنا، فصل ۸، آیات ۱۲ تا که ادامه مطالب جنجالی است که از فصل ۷، آیه ۱۴ یوحنا در مورد آن خوانده‌ایم، می‌رویم. عیسی از ۵۹، اواسط عید خیمه‌ها در محوطه معبد تعلیم می‌داد و در آخرین روز عید، در یوحنا ۷:۳۷ تا ۳۹، کلام فوق‌العاده‌ای در مورد روح القدس بیان کرد و این موضوع، رهبران مذهبی را در مورد اینکه با او چه خواهند کرد، بیشتر به دردمند انداخته است.

بنابراین، آنها جلسه‌ای در مورد چگونگی برخورد با او دارند. او به تعلیمات عمومی خود ادامه می‌دهد. بنابراین، در روایت یوحنا فصل ۸ چه داریم؟ خب، اول از همه، عیسی را داریم که شهادت می‌دهد که او نور جهان است.

این یکی از گیراترین و مهم‌ترین گفته‌های عیسی در انجیل یوحنا است که به تصویر نور می‌پردازد، تصویری که در آغاز این کتاب بسیار مهم است. بنابراین، در آیه ۸:۲ آمده است که وقتی عیسی دوباره با مردم صحبت کرد، گفت: «من نور جهان هستم. هر که از من پیروی کند، در تاریکی راه نخواهد رفت، بلکه نور حیات را خواهد داشت.»

اشاره مستقیمی به آیات ۱ و ۲ اشعیا ۹ نیست، بلکه اشاره‌ای است که به نظر می‌رسد از تصویر نور به روشی بسیار مشابه استفاده می‌کند. بنابراین اکنون به همان موضوعی که برای اولین بار در فصل ۵ با آن مواجه شدیم، برمی‌گردیم. به محض اینکه عیسی این را می‌گوید، فریسیان با گفتن اینکه او شاهد خودش است، او را به چالش می‌کشند. شما به عنوان شاهد خودتان ظاهر می‌شوید.

شهادت شما نامعتبر است. سپس عیسی در آیات ۱۴ تا ۱۸ شهادت خود را با این جمله توضیح می‌دهد که اگرچه من از خودم شهادت می‌دهم، آنچه می‌گویم درست است. آنچه می‌گویم همان چیزی است که پدر به من داده است تا بگویم.

و در شریعت شما، آیه ۱۷، در شریعت خودتان، می‌گوید، نه اینکه شریعت او هم نبوده باشد، بلکه اساساً دارد با اسناد معتبر خودشان آنها را محکوم می‌کند. در شریعت شما نوشته شده که شهادت دو شاهد درست است. من خودم شهادت می‌دهم.

شاهد دیگر من پدری است که مرا فرستاده است. این موضوع بحث بزرگی را در مورد اینکه پدر شما کیست، به وجود می‌آورد و عیسی می‌گوید که شما او را نمی‌شناسید. اگر می‌دانستید او کیست، می‌دانستید که من کیستم.

و بنابراین، او این سخنان را هنگام تدریس در حیاط معبد، نزدیک به جایی که هدایا قرار داده می‌شدند، بیان کرد. حال، تلاش برای بازگشت و درک دقیق محل احتمالی آن در حیاط معبد، نزدیک به جایی که هدایا قرار داده می‌شدند، بسیار جالب است. در مورد ورود به محوطه معبد، لبه پیرونی جایی بود که هر کسی می‌توانست وارد شود، از جمله غیریهودیان.

و ما به صحن اسرائیل می‌رسیم که مردان و زنان یهودی می‌توانستند به آنجا بیایند، سپس به صحنی که مردان می‌توانستند نذورات خود را ببرند، و سپس به صحن کاهنان. بنابراین، من فکر می‌کنم جایی که عیسی در آن تدریس می‌کرد، باید در یکی از این صحن‌های داخلی که نذورات در آنجا گرفته می‌شد، بوده باشد، اگرچه احتمالاً در صحن داخلی که فقط کاهنان اجازه حضور داشتند، نبوده است. عیسی لاوی نبود.

او در آن منطقه خاص نبوده، احتمالاً در همان قسمتی از دربار که مردان بنی اسرائیل اجازه حضور داشتند. بنابراین، وقتی به ساختار یوحنا ۸ نگاه می‌کنیم، فقط از دیدگاه آنچه در آنجا اتفاق می‌افتد به آن نگاه کرده‌ایم. هنوز به اندازه کافی در این مورد پیش نرفته‌ایم.

بیا بیا به این اسلاید برگردیم و به بقیه فصل نگاه کنیم. عیسی نه تنها در آیات ۱۲ تا ۲۰ با فریسیان در مورد اعتبار شهادت خود صحبت می‌کند، بلکه در مورد رفتن خود نیز صحبت می‌کند.

او به آنها می‌گوید، من می‌روم. شما دنبال من خواهید گشت. هر جا که من بروم، در گناه خود خواهید مرد.

شما نمی‌توانید بیایید. این باعث شد یهودیان بپرسند، آیا او خودش را خواهد کشت؟ بنابراین، این هم یک نظر دیگر در مورد عیسی است. ما تعدادی از آنها را در فصل ۷ دیدیم. حالا آنها فکر می‌کنند در فصل ۸، آیه ۲۲، برخی از آنها فکر می‌کنند که او خودکشی کرده است.

البته، این کاملاً اشتباه است. عیسی در آیه ۲۳ ادامه می‌دهد: شما از پایین هستید

. من از آسمان آمده‌ام. تو از این جهانی. من از این جهان نیستم.

به شما گفتم که در گناها نتان خواهید مرد. اگر باور نکنید که من او هستم، در واقع در گناها نتان خواهید مرد. بنابراین، این عبارت در آیه ۲۴، «من او هستم»، شاید بخش آخر فصل ۸ یوحنا را پیش‌بینی می‌کند. جایی که عیسی به او می‌گوید، پیش از آنکه ابراهیم باشد، من هستم.

همین عبارت به زبان یونانی هم هست. تا پایان فصل در موردش صحبت خواهیم کرد. هرچند جالب است که این را در وسط مکالمه می‌بینیم.

اگر باور نکنید که من او هستم، در گناها خود خواهید مرد. پس، آنها می‌گویند، پس شما که هستید؟ آیه عیسی پاسخ می‌دهد، خوب، من که از ابتدا به شما گفته‌ام. ۲۵.

شما از قبل می‌دانید که من کیستم، و اگر هنوز نمی‌دانید، احتمالاً هرگز نخواهید دانست. آنها نفهمیدند، آیه ۲۷، که او با آنها درباره پدرش به عنوان کسی که او را فرستاده صحبت می‌کرد. بنابراین، عیسی می‌گوید وقتی پسر انسان را بلند می‌کنید، به نظر می‌رسد که یوحنا ۱۴: ۳ و موسی را که مار را بلند می‌کند، تکرار می‌کند، آنگاه خواهید دانست که من او هستم و من از خودم کاری نمی‌کنم، بلکه فقط آنچه پدر به من آموخته است را می‌گویم.

کسی که مرا فرستاده است با من است و مرا تنها نگذاشته است، زیرا من همیشه آنچه را که او را خشنود می‌کند، انجام می‌دهم. و همانطور که او این سخنان را می‌گفت، با وجود تمام مخالفت‌هایی که با او می‌شود بار دیگر پرتوی کوچکی از نور را می‌بینیم که در این روایت نسبتاً تاریک نمایان می‌شود. حتی همانطور که او صحبت می‌کرد، همانطور که گفته می‌شود، بسیاری به او ایمان آوردند.

فصل ۸، آیه ۳۰. این فقط برای مدت کوتاهی خوب به نظر می‌رسد. با این حال، به محض اینکه عبارت، بسیاری به او ایمان آوردند «را می‌بینیم، به بخشی از انجیل یوحنا می‌رسیم که درک آن بسیار دشوار است» زیرا عیسی در آیه ۳۱ شروع به صحبت با یهودیانی می‌کند که به او ایمان آورده بودند و به آنها می‌گوید، اگر به تعلیم من پایبند باشید، واقعاً شاگرد من خواهید بود.

آنگاه حقیقت را خواهی دانست، و حقیقت تو را آزاد خواهد کرد. حال، می‌توان تصور کرد که ایمانداران جدید به عیسی چنین کلامی را می‌پذیرند و با کمی احتیاط و با کمی پیشگویی به آن پاسخ می‌دهند و با خود می‌گویند، بسیار خوب، حدس می‌زنم ما واقعاً باید به آنچه او می‌گوید توجه کنیم و واقعاً به آنچه او تعلیم می‌دهد بچسبیم و واقعاً این امر ایمان آوردن و پیروی از عیسی را جدی بگیریم. با این حال، پاسخی که در آیه دریافت می‌کنیم اصلاً چنین پاسخی نیست ۳۳.

آنها می‌گویند ما از نسل ابراهیم هستیم. ما هرگز برده کسی نبوده‌ایم. منظورتان از اینکه ما آزاد خواهیم شد چیست؟ بنابراین، به نظر می‌رسد که این روش عجیبی برای مؤمنان به عیسی است که به استاد خود، معلم خود، واکنش نشان دهند.

آنها اکنون آنچه را که او می‌گوید به چالش می‌کشند. بنابراین، شاید ما نباید در درک خود از فصل ۸، آیه همانطور که او صحبت کرد، خیلی خوشبین باشیم، زیرا بسیاری به او ایمان آوردند. البته، اگر با تأکید ۳۰، برخی از ویدیوهای دیگرمان، این را دنبال کنیم، این به ما یادآوری می‌کند که در فصل ۲، افرادی بودند که برای اولین بار صدای عیسی را در معبد شنیدند و برای اولین بار نشانه‌هایی را که او دید، دیدند، به نوعی به او ایمان آوردند، به او به عنوان معلمی که از جانب خدا توسط نیکودیموس آمده بود احترام گذاشتند یا او را نوعی پیامبر دانستند، اما این بدان معنا نبود که آنها با او مانند آنچه در اینجا در آیه ۳۳ انجام دادند، بحث نکنند.

بنابراین، دوباره به دشواری درک ایمان اصیل و نجات‌بخش در یوحنا برمی‌گردیم. بنابراین، ما وارد بحثی، خصمانه‌تر بین عیسی و این یهودیانی می‌شویم که به نوعی او را تصدیق می‌کردند. به راستی، به شما می‌گویم در پاسخ به آنها که می‌گویند نوادگان آزاد ابراهیم هستند، به راستی به شما می‌گویم، هر که گناه می‌کند برده گناه است.

برده جایگاه دائمی در خانواده ندارد، اما پسر برای همیشه به آن تعلق دارد. بنابراین، اگر پسر شما را آزاد کند، یعنی عیسی، واقعاً آزاد خواهید بود. می‌دانم که شما فرزندان ابراهیم هستید، اما به دنبال راهی برای کشتن من هستید زیرا جایی برای کلام من ندارید.

من دارم چیزی را که در حضور پدرم دیده‌ام به شما می‌گویم. شما هم دارید همان کاری را می‌کنید که از پدرتان شنیده‌اید. بنابراین، این روایت بعدی را آغاز می‌کند که پدر چه کسی مسئول آنهاست و به قول معروف، آنها از کدام بلوک جدا شده‌اند.

بنابراین، آنها می‌گویند ابراهیم پدر ماست، و عیسی پاسخ داد که تو شبیه ابراهیم نیستی و مانند او رفتار نمی‌کنی. تو اعمال پدرت را انجام می‌دهی، آیه ۴۱، و اینکه او کیست، به زودی کاملاً مشخص خواهد شد. بار دیگر، در آیه ۴۱، آنها اصرار دارند که ما حرامزاده نیستیم.

تنها پدری که ما داریم خود خداست. آیه ۴۲، عیسی چنین پدری ندارد. او می‌گوید اگر خدا پدر شما بود، مرا دوست می‌داشتید، زیرا من از جانب خدا به اینجا آمده‌ام.

من به میل خودم نیامده‌ام. پس اگر از خدا بودید، از من پیروی می‌کردید. بنابراین، او مستقیماً وارد می‌شود و در نهایت در آیه ۴۴ می‌گوید که شما از پدرتان که شیطان است، هستید.

اگر می‌خواهی خواسته‌های پدرت را عملی کنی، او از ابتدا قاتل بود و به حقیقت پایبند نبود، زیرا در او هیچ حقیقتی نیست. وقتی دروغ می‌گویی، به زبان مادری خود صحبت می‌کنی، زیرا او دروغگو و پدر دروغگویان است. چون من به شما حقیقت را می‌گویم، به من ایمان نمی‌آورید.

آیا کسی از شما می‌تواند گناه مرا ثابت کند؟ من حقیقت را می‌گویم. چرا به من ایمان نمی‌آورید؟ کسی که از خداست، سخنان خدا را می‌شنود. دلیل اینکه شما به من گوش نمی‌دهید این است که از خدا نیستید.

بنابراین، شکی نیست که عیسی به آنها می‌گوید که شما قوم من نیستید. حال، اینها افرادی هستند که همین الان به آنها گفته شده، همین الان به ما در آیه ۳۰ گفته شده که به او ایمان آورده‌اند. درک این متن از این نظر بسیار دشوار است.

بنابراین، این یهودیانی که ظاهراً اکنون به او ایمان آورده‌اند، در آیه ۴۸ می‌گویند، آیا ما درست نمی‌گوییم که تو سامری و دیوزده هستی؟ بنابراین، اکنون دوباره داریم این القاب را تکرار می‌کنیم، درست همانطور که نیکودیموس توسط شورا در پایان فصل هفتم جلیلی نامیده شد. اکنون، یهودیان می‌گویند که عیسی سامری است. من حدس می‌زنم که این یک درجه بدتر از جلیلی بودن است، اما چیز خوبی نیست که او را جلیلی بنامند و دیوزده باشند.

مطمئن نیستم که آیا جن زدگی بدتر از سامری بودن بود یا بهتر، اما هر دو بودن قطعاً چیز خیلی بدی بود. جالب اینجاست که عیسی سامری بودن را انکار نمی‌کند. او این طعمه را نمی‌گیرد، اما می‌گوید، من توسط دیو تسخیر نشده‌ام.

من به پدرم احترام می‌گذارم. شما به خاطر احترامی که به پدرم گذاشته‌ام، مرا بی‌احترام می‌کنید. من جلال خودم را نمی‌گویم، بلکه جلال فرستنده‌ام را.

و بنابراین، از آن، آنها دوباره می‌گویند، اکنون ما با اطمینان می‌دانیم که تو دیوزده هستی زیرا ابراهیم مرد پیامبران نیز مردند. با این حال شما می‌گویید، هر که به کلام شما ایمان آورد، هرگز طعم مرگ را نخواهد چشید. شما از پدر ما، ابراهیم، بزرگتر هستید.

بنابراین، می‌بینید که متن اینجا از بد به بدتر و به بدترین حالت می‌رود. اوضاع دارد از کنترل خارج می‌شود. و در نهایت، به ضرب‌المثلی در آیه ۵۸ می‌رسیم که آنها را به برداشتن سنگ‌ها سوق می‌دهد.

بنابراین، عیسی می‌گوید، اگر من خود را جلال دهم، جلال من بی‌معنی است. پدر من، که شما او را خدای خود می‌دانید، کسی است که مرا جلال می‌دهد. جد شما ابراهیم از فکر دیدن روز من شادمان شد.

او آن را دید و خوشحال شد. برداشت بسیار جالبی که عیسی از عهد عتیق دارد، این است که این [کتاب] درباره چه چیزی صحبت می‌کند، تا جایی که ابراهیم واقعاً چه چیزی را در مورد اصل بذر درک کرده و به آن فکر می‌کرده، به سختی می‌توان از کتاب پیدایش برداشت کرد. اما عیسی می‌گوید که ابراهیم به نوعی از مأموریت مسیحایی خود آگاه بوده است.

شاید همانطور که ابراهیم در باب دوازدهم پیدایش تأمل می‌کرد، اکنون به او وعده داده شده بود که از طریق فرزندان، تمام جهان برکت خواهد یافت. شاید این همان چیزی است که عیسی در اینجا به آن فکر می‌کند، در مورد کسی که از نسل اوست و در واقع تمام جهان را برکت خواهد داد. بنابراین، عیسی در مورد ابراهیم چنین نظری می‌دهد که واقعاً آنها را مبهوت می‌کند.

و بنابراین، آنها در آیه ۵۷ پاسخ می‌دهند، تو هنوز حتی ۵۰ سال هم نداری. تو ابراهیم را دیده‌ای. آنها می‌گویند، تو واقعاً از آن [سن] بیرون آمده‌ای.

شما واقعاً دیوانه هستید. بنابراین، عیسی به آنها پاسخ می‌دهد. در اینجا یک جمله بسیار مهم مسیح‌شناختی وجود دارد.

برخی از ترجمه‌ها همچنان می‌گویند، «پیش از آنکه ابراهیم باشد»، زیرا ابراهیم به دنیا آمد و این کلمه را به آن اضافه می‌کنند. «پیش از آنکه ابراهیم باشد، من هستم.» در این هنگام، سنگ‌ها را برداشتند تا او را سنگسار کنند، اما عیسی خود را پنهان کرد و از محوطه معبد دور شد.

بنابراین، همانطور که این فصل به پایان می‌رسد، ما یکی دیگر از این جدایی‌های مرموز عیسی را داریم. تقریباً به این فکر می‌افتیم که عیسی باید از قدرتی ماوراءالطبیعه برای فرار از آنها استفاده کرده باشد، اما این موضوع به طور قطعی بیان نشده است و بنابراین ما واقعاً نمی‌دانیم. خب، این برای داستانی بدون پایان خوش چگونه است؟ داستان خیلی خوبی نیست، داستانی که در آن اختلاف نظر در مورد عیسی به اوج خود می‌رسد و به نتیجه‌ی اشتباهی می‌رسد، به نتیجه‌ی کاملاً منفی بافی در مورد او.

بنابراین، اکنون به این داستان نگاهی می‌اندازیم و سعی می‌کنیم از ساختار آن ایده‌ای به دست آوریم. چگونه همه اینها با هم جور در می‌آیند؟ به نظر می‌رسد در اینجا مجموعه‌ای از آموزه‌های عیسی داریم که مردم را به طرق مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهد و منجر به نتایج مختلفی می‌شود. گاهی اوقات، نتایج بلافاصله رخ می‌دهند و هیچ اختلافی در این بین وجود ندارد.

عیسی در یوحنا فصل ۷، آیه ۱۴ تعلیم می‌دهد. او در آنجا، خیلی قبل‌تر در فصل ۷، جمله مهمی را بیان می‌کند که به صحن معبد می‌رود و شروع به تعلیم می‌دهد. خب، نتیجه تعلیم او در معبد چیست؟ آیات ۱۵ تا ۲۴ منجر به یک مشاجره بزرگ می‌شود و نتیجه آن در آیات ۲۵ تا ۲۷ آمده است.

مردم در اورشلیم شروع کردند به گفتن اینکه آیا این همان کسی نیست که می‌خواهند او را بکشند؟ آیات ۷ و ۲۹، ما آموزه جدیدی از عیسی داریم. شما من را می‌شناسید و می‌دانید اهل کجا هستم و غیره، و این ۲۸ منجر به نتیجه آیه ۷:۳۰ می‌شود که آنها سعی در کشتن او دارند. آیات ۷:۳۳ و ۳۴، ما آموزه جدیدی از عیسی داریم.

من با شما هستم، اما فقط برای مدت کوتاهی، و پاسخ به آن این است که این مرد چه می‌کند؟ قصد دارد، کجا برود؟ فکر می‌کند چه می‌کند؟ یکی دیگر از آموزه‌های کوتاه عیسی، شاید آموزه اصلی یوحنا فصل ۷ آیات ۳۷ تا ۳۹، درباره روح القدس است که باعث می‌شود کسانی که برای دستگیری عیسی فرستاده شده بودند، نتوانند این کار را انجام دهند، زیرا از زبان او شگفت‌زده می‌شوند. اختلاف اصلی در تمام این روایت در فصل‌های ۷ و ۸، اختلافی است که توسط شورای یهود در پایان فصل ۷ یوحنا ادامه می‌یابد. این نوعی محور درست در وسط فصل است که همه چیز را از فصل ۷، زمانی که عیسی برای اولین بار به اورشلیم می‌رسد تا پایان بحث، به هم پیوند می‌دهد. بنابراین، بحث در میان شورا، جایی که نیکودیموس تنها صدای منطقی است که حداقل می‌تواند بفهمد عیسی به چه چیزی اعتقاد دارد، به نوعی بخش اصلی همه اینهاست.

بنابراین، پس از آن، عیسی اظهار می‌کند که او نور جهان است. این امر در فصل ۸، آیات ۱۳ تا ۱۹، به بحثی بر سر شهادت او منجر می‌شود. بنابراین، بار دیگر، در آیه ۲۰، نتیجه همه اینها، او این سخنان را هنگام تعلیم در معبد گفت، هیچ کس او را دستگیر نکرد زیرا ساعت او هنوز فرا نرسیده بود.

بنابراین، ما در فصل ۸، آیه ۲۱، آموزه جدیدی از عیسی داریم. من می‌روم، شما به دنبال من خواهید گشت در گناه خود خواهید مرد، یا من می‌روم، شما نمی‌توانید بیایید. این منجر به اختلافی می‌شود که در آیات ۲۲ تا ۲۹ در مورد جایی که عیسی قصد دارد برود، ادامه دارد و به نتیجه‌گیری آیه ۳۰ منجر می‌شود، حتی زمانی که او صحبت می‌کرد، بسیاری به او ایمان آوردند.

این خوب به نظر می‌رسد تا زمانی که به آیات ۳۱ و ۳۲ نگاه کنید، یک گفته جدید از عیسی، یک بار دیگر یک آموزه جدید، جایی که او می‌گوید، اگر به آموزه‌های من پایبند باشید، واقعاً شاگردان من هستید. که منجر به اختلاف در مورد ابراهیم و اینکه قهرمانان او فرزندان چه کسی هستند، می‌شود. و پایان نهایی فصل ۸، آیه ۵۹، که منجر به تلاش آنها برای سنگسار عیسی می‌شود، اما او می‌تواند از آنها فرار کند.

بنابراین، اگر از تمام جنجال‌های فصل ۷، تمام هرج و مرج‌ها، تمام دیدگاه‌های مختلف در مورد عیسی که در همه جای فصل ۷ وجود دارد، خوششان نیامده باشد، خواندن این فصل چندان خوشایند نخواهد بود. اوضاع در فصل ۸ بدتر هم می‌شود. واکنش به رسالت عیسی چندان همه جا یکسان نیست. در فصل ۸، آیه ۳۰ تقریباً مثبت است. بنابراین، شما کمی در مورد این‌ها احساس خوبی دارید، ۳۰.

بعضی‌ها دارند متوجه می‌شوند. مشکل این است که در ادامه‌ی فصل ۸، از آیه‌ی ۳۹ به بعد، متوجه می‌شوید که حتی این افراد هم واقعاً متوجه نمی‌شوند. بنابراین، این فصل، فصل غم‌انگیزی است.

بنابراین، برخی از مسائل تفسیری در باب هشتم یوحنا، البته در این گفته مهم عیسی می‌بینیم که می‌گوید: «من نور جهان هستم. کسی که از من پیروی کند، در تاریکی راه نخواهد رفت، بلکه نور حیات را خواهد داشت.» این بخشی از تصویرسازی گسترده نور و تاریکی در انجیل یوحنا است.

ما قبلاً در مورد آن صحبت کرده‌ایم. احتمالاً نیازی به ادامه‌ی عمیق‌تر این بحث در حال حاضر نیست. روز و شب نیز در این بحث مطرح می‌شوند.

همانطور که به یاد دارید، نیکودیموس شب هنگام نزد عیسی آمد. چیزهای دیگر، اتفاقات خوب در طول روز رخ می‌دهد. اتفاقات بد در شب.

این تقریباً روشی است که کار می‌کند. پیشینه عهد عتیق در مورد نور و تاریکی، فکر می‌کنم باید به پیدایش فصل ۱، آیه ۳ برگردیم. ببینید چگونه خدا نور را به تاریکی آورد. اشعیا ۹ در مورد افرادی صحبت می‌کند که در تاریکی، در سایه مرگ، ساکن بودند و نور را تجربه می‌کردند.

اشعیا ۴۲ و ۴۹ درباره اسرائیل به عنوان نوری برای غیریهودیان صحبت می‌کند. زکریا ۱۴ نیز به همین ترتیب صحبت می‌کند. به ما گفته شده است که جشن سوکوت یا خیمه‌ها نیز مراسم روشن کردن مشعل داشته است، که در میشنا، رساله سوکوت، دوباره، ۵، ۳ و ۴، آمده است که ممکن است تا حدودی به این موضوع و برخی مطالب پیش‌زمینه‌ای که به ما در درک آنچه عیسی می‌گوید کمک می‌کند، مرتبط باشد.

تمام این نمادگرایی نور و تاریکی، یک دوگانگی اخلاقی بین خدا و شیطان را به تصویر می‌کشد. این دوگانگی به وضوح در پایان فصل ۸ به تصویر کشیده شده است و عیسی به آنها می‌گوید: «من از خدا هستم، شما از پدرتان، شیطان، و ابراهیم در طرف من است، نه در طرف شما. موضوع تفسیری دیگری که باید در اینجا در این فصل به آن فکر کنیم، مربوط به رابطه ویژه عیسی با پدرش است.

ما این را در اوایل فصل ۵ دیدیم، جایی که عیسی گفت، من فقط کارهایی را انجام می‌دهم که پدر به من سپرده است. عیسی در طول فصل ۸ همچنان بر این نکته تأکید می‌کند که او نماینده پدر است. او کسی است که به سادگی آنچه را که پدر آسمانی اراده کرده است، بر روی زمین انجام می‌دهد، بنابراین او با اقتدار پدر صحبت می‌کند.

اگر عیسی را رد کنید، این کار را به ضرر خودتان انجام می‌دهید، زیرا نه تنها در برابر عیسی، پیام‌آور، بلکه در برابر کسی که او را فرستاده، یعنی پدر آسمانی، مقاومت می‌کنید. احتمالاً واضح‌ترین سؤال که در اینجا بیشتر ما را آزار می‌دهد، اختلافی است که عیسی در نهایت با یهودیانی دارد که به نوعی به او ایمان آورده‌اند چگونه است که عیسی مؤمنان را فرزندان شیطان می‌نامد؟ این کمی اشتباه به نظر می‌رسد، اینطور نیست؟ چگونه می‌توانید هر دو باشید؟ ظاهراً، ما باید محور این فصل، به ویژه آیه ۳۱، را به شکلی مهم به عنوان درک آنچه که یک مؤمن واقعی را مشخص می‌کند، درک کنیم.

عیسی در آیه ۳۱ به یهودیانی که به او ایمان آورده بودند، به معنای واقعی کلمه به او ایمان داشتند، گفت: اگر به تعالیم من پایبند باشید، واقعاً شاگرد من خواهید بود. آنگاه حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد کرد. بنابراین، عیسی در اینجا در مورد چگونگی نشان دادن ایمان فرد توسط سبک زندگی‌اش صحبت می‌کند.

در مسیحیت انجیلی معمولاً گفته می‌شود که اگرچه مردم با اعمال نجات نمی‌یابند، اما فقط عمل عیسی ما را نجات می‌دهد. با این وجود، ما واقعیت ایمان خود را از طریق اعمال نیک نشان می‌دهیم. ما شاید سخنان پولس در افسسیان ۲، آیه ۱۰، را با یعقوب فصل ۲ کنار هم می‌گذاریم و می‌بینیم که شاید آنها در نهایت در یک صفحه هستند و اساساً یک چیز را می‌گویند، اینکه ما به نوعی با کاری که انجام می‌دهیم شایسته نجات از جانب خدا نیستیم، اما آنچه انجام می‌دهیم نشان می‌دهد که ما واقعاً به خدا ایمان داشته‌ایم و واقعاً فرزندان او بوده‌ایم و آنها را ساخته‌ایم.

بنابراین، ما به خدا خدمت می‌کنیم چون او را دوست داریم، و اگر خدمت نکنیم، در این مورد تردید وجود دارد که واقعاً به یک رابطه‌ی ایمانی و عاشقانه رسیده‌ایم. عیسی در اینجا می‌گوید افرادی که به او ایمان دارند، این را نشان خواهند داد و طبق آموزه‌های او زندگی خواهند کرد. با این حال، این افراد بلافاصله سرکش می‌شوند و نمی‌خواهند هیچ ارتباطی با آموزه‌های او داشته باشند، و به آنها نشان می‌دهند که واقعاً شاگرد او نیستند.

حالا ما قبلاً در فصل ۲ دیده‌ایم، تا الان ممکن است از اینکه من دوباره به آن قسمت در انتهای فصل ۲ اشاره می‌کنم خسته شده باشید، اما من واقعاً فکر می‌کنم این یک قسمت کلیدی برای درک بسیاری از آنچه در یوحنا آمده است، می‌باشد. بنابراین، ممکن است به یاد داشته باشید که ما قبلاً در مورد این قسمت صحبت کردیم که چگونه عیسی در اولین سفر خود به اورشلیم، نشانه‌های زیادی انجام داد و متن به ما می‌گوید که بسیاری از مردم ایمان آوردند. ظاهراً، نیکودیموس یکی از این افرادی بود که به معنای واقعی کلمه به عیسی ایمان آورد.

چیزی شبیه به این در فصل ۶، آیه ۱۴، و فکر می‌کنم متون دیگر در یوحنا. بنابراین، فکر می‌کنم باید از خودمان بپرسیم، آیا کلمه ایمان در یوحنا تا حدودی مبهم است؟ خوشبختانه، ما افرادی داریم که به آنها ایماندار گفته می‌شود، اما دقیقاً از خط پیروی نمی‌کنند و اصلاً به آنچه عیسی گفته و انجام داده توجه نمی‌کنند. من فکر می‌کنم برای ما مهم است که این متن را، حداقل در حال حاضر، به طور کلی، به آنچه عیسی در فصل ۱۵ می‌گوید، ربط دهیم، جایی که او از تصویر زیبای خود به عنوان تاک اصیل استفاده می‌کند، شاید در تمایز با اسرائیل به عنوان تاک بی‌وفای خدا.

عیسی می‌گوید: من تاک حقیقی هستم. شما شاخه‌ها هستید، و همانطور که پدرم مزرعه‌اش، تاکستان، را اداره می‌کند، شما در من می‌مانید، و من در شما، و شما میوه خواهید داد، و شما هرس خواهید شد تا میوه بیشتری بیاورید. اگر میوه‌ای نیاورید، بریده و سوزانده خواهید شد.

و، بنابراین، این زبان بسیار تند و تیز شاید دوباره بر ضرورت چیزی که متکلمان آن را آموزه استقامت می‌نامند، تمرکز کند. کسانی که از نظر الهیاتی بیشتر به آرمینیسم گرایش دارند، وقتی به متونی مانند این می‌رسند معتقدند که مؤمنان واقعی رستگاری خود را از دست می‌دهند، و افرادی که بیشتر در چیزی هستند که ما اغلب آن را اردوگاه کالونیستی می‌نامیم، فکر می‌کنند که این افراد هرگز از ابتدا مؤمنان واقعی نبوده‌اند. آنها صرفاً ایمان خود را ابراز می‌کردند یا به نوعی درک ناکافی از آنچه عیسی گفته بود، رسیده بودند.

شاید آنها حتی متوجه این موضوع نشده باشند، اما بعداً معلوم شد که آنها مؤمن واقعی نبوده‌اند. بنابراین این کلاسی نیست که در آن باید در تحلیل الهیاتی، یکی از این دو دیدگاه را انتخاب کنید. این کلاسی است در

مورد یوحنا و پیچیدگی ایمان به یوحنا و مشکلاتی که ما در درک دقیق معنای این چیزها داریم، اما این کلاس در مورد استقامت مقدسین است.

بنابراین، ما در اینجا عمدتاً به یک نکته دیگر نگاه می‌کنیم، روشی که عیسی در انتهای فصل ۸ یوحنا، قبل از اینکه ابراهیم باشد، یا شاید بهتر است بگوییم قبل از تولد ابراهیم، می‌گوید: «من هستم»، که باعث شد آنها بخواهند او را سنگسار کنند، و عیسی می‌تواند فرار کند. در عهد عتیق، سنگسار مجازاتی برای کفرگویی بود، و عیسی قبلاً در چند موقعیت قرار گرفته بود که به موارد مشابهی متهم شده بود، که به فصل ۵ برمی‌گردد. بنابراین، وقتی به این جمله قبل از تولد ابراهیم نگاه می‌کنیم، «من هستم»، چه چیزی در مورد گفتن «من هستم» توسط او به آنها اینقدر توهین‌آمیز بود؟ توجه کنید که این جمله فقط در انتهای فصل نیامده است، بلکه در فصل ۸، از آیه ۲۴، به طور ضمنی آمده است. مگر اینکه باور کنید که من هستم، در گناهان خود خواهید مرد.

همچنین در فصل ۸، آیه ۲۸، هنگامی که پسر انسان را بلند کردید، خواهید دانست که من او هستم. و سپس در آیه ۵۸، که فصل قبل از تولد ابراهیم را به پایان می‌رساند، من هستم. چند عبارت بعدی در یوحنا نیز ممکن است این گفته را تکرار کنند.

در فصل ۱۳، آیه ۱۹، در میان شستن پاهای شاگردان و صحبت در مورد یهودای خائن، عیسی گفت: «این را قبل از وقوع به شما می‌گویم، این خیانت اوست تا باور کنید که من هستم». همچنین، در نهایت در فصل ۱۸ و آیه ۵، وقتی افرادی که برای دستگیری عیسی آمده بودند، نزد او آمدند و گفتند: «به دنبال چه کسی می‌گردید؟» آنها گفتند: «عیسی ناصری». و او گفت: «من او هستم».

و بلافاصله آن کلمات آنقدر قدرتمند هستند که به زمین برمی‌گردند و به زمین می‌افتند. بنابراین، چه قدرتی من هستم، وجود داشته باشد؟ شاید معادل عبری ego، eimi، ممکن است در پشت این کلمات در یونانی من هستم که هستم، eheyeh asher eheyeh، این کلمه در متن عهد با موسی در خروج ۳ یافت شود به نظر من، حداقل به احتمال زیاد، متن «من او هستم» است که یک بار در تثنیه و چندین بار در اشعیا من او هستم، به معنای واقعی کلمه من او بدون فعل است، ani hu آمده است، که در عبری

در عهد عتیق معمولاً با I am he این متون، ani hu و وقتی ترجمه یونانی عهد عتیق فریبده شد، این متون در عهد عتیق معمولاً متونی بودند که در آنها خدا ani hu در یونانی ترجمه می‌شدند. این متون ego، eimi اعلام می‌کرد که تنها او واقعاً خداست، خدایان دیگر فقط مدعی هستند و هر کسی که واقعاً در رابطه درستی با او نیست، بهتر است مراقب باشد. بنابراین، ممکن است به چند مورد از اینها نگاهی بیندازیم تا مطمئن شوم که شما قسمت‌هایی را که در مورد آنها صحبت می‌کنم، درک می‌کنید.

تثنیه، فصل ۳۲ و آیه ۳۹، در میان آیات دیگر، احتمالاً متن اول، با اشاره به چیزی در همین زمینه، می‌گوید خداوند قوم خود را تیره خواهد کرد، آیه ۳۶، و وقتی ببیند که قدرت آنها از بین رفته است، هیچ کس برده یا آزاد باقی نمانده است، از بندگانش پشیمان خواهد شد. او خواهد گفت، خدایان آنها کجا هستند؟ صخره‌ای که به آن پناه بردند، خدایان دروغین خواهند بود. خدایان چربی قربانی‌های خود را می‌خوردند و شراب هدایای نوشیدنی خود را می‌نوشیدند.

بگذارید آنها برای کمک به شما برخیزند، بگذارید به شما پناه دهند. این کمی طعنه‌آمیز است، چیزی شبیه به طعنه، که اگر اسرائیل از خدایان دروغین پیروی کند، واقعاً هیچ کمکی از آنها دریافت نخواهد کرد. حال درخواست واقعی، ببینید که من خودم او هستم.

خدایی جز من نیست. من می‌میرانم، زنده می‌کنم، زخمی می‌کنم و شفا می‌دهم. هیچ‌کس نمی‌تواند از دست من رهایی یابد.

دوباره در آیه ۳۹، می‌بینید که من او هستم. بنابراین، چند مورد از آیات اشعیا فصل ۴۱ و آیه ۴، فصل ۴۳ و آیه ۱۰ نیز از این نظر جالب هستند. اشعیا ۴۱، ۴، از اشعیا ۴۱، ۱ شروع می‌شود، فقط برای اینکه جریان آن را متوجه شوید.

ای جزایر، در حضور من خاموش باشید. بگذارید ملت‌ها قدرت خود را تجدید کنند. بگذارید پیش بیایند و سخن بگویند.

بیاوید در جایگاه داوری با هم ملاقات کنیم. چه کسی کسی را از شرق برانگیخته است که او را به عدالت به خدمت خود فرا می‌خواند؟ او ملت‌ها را به او تسلیم می‌کند و پادشاهان را در برابر او مطیع می‌سازد. او آنها را با شمشیر خود به غبار و با کمان خود به کاه تبدیل می‌کند.

او آنها را تعقیب می‌کند و بدون هیچ آسیبی از مسیری که پاهایش قبلاً طی نکرده است، به پیش می‌رود. چه کسی این کار را انجام داده و آن را به انجام رسانده و نسل‌ها را از آغاز فراخوانده است؟ من، من خداوند، با اولین آنها و با آخرین آنها، من او هستم. جمله‌ای بسیار باشکوه که نشان می‌دهد خدا فراتر از تمام دسیسه‌های انسان‌هاست.

به همین ترتیب، اشعیا ۴۳، آیه ۱۰، و با این مثال متوقف می‌شویم. شما شاهدان من هستید، خداوند می‌گوید، و بندگان من که برگزیده‌ام، تا مرا بشناسید و به من ایمان آورید و بفهمید که من او هستم. پیش از من خدایی شکل نگرفته و پس از من نیز نخواهد آمد.

من، حتی من، خداوند هستم، و جدا از آنها، هیچ نجات‌دهنده‌ای وجود ندارد. بنابراین ظاهراً وقتی عیسی این کلمات را در انتهای فصل ۸ یوحنا بیان کرد، «من او هستم»، او به این رشته متون در عهد عتیق اشاره داشت که از خدا به عنوان خدای یگانه، خدای حقیقی، خدایی که قطعاً در امور انسانی مداخله خواهد کرد، نه یکی از خدایان جعلی ملت‌ها، بلکه یکی از خدایان حقیقی و زنده، که به تنهایی سرنوشت اسرائیل را تعیین خواهد کرد، صحبت می‌کند. بنابراین، وقتی خداوند ما عیسی به این شکل صحبت می‌کند، او به وضوح، خود را همانطور که در مقدمه یوحنا به عنوان خدای ازلی، یک شخص ازلی که به طور ضمنی الهی است، به تصویر می‌کشد.

او اساساً خود را با خدا یکی می‌داند. البته، متون متعددی در انجیل یوحنا وجود دارد که در آنها عیسی اساساً، با یوحنا یکی دانسته شده است، که اوج آن سخنان شگفت‌انگیز توماس شکاک در یوحنا ۲۰، آیه ۲۸ است زمانی که او سرانجام دست‌ها و پاهای عیسی را با جای میخ‌ها در آنها می‌بیند و عیسی از مردگان برخاسته است، توماس می‌گوید، پروردگار من و خدای من، در کمال حیرت و با توبه کامل از پی‌ایمانی اولیه‌اش بنابراین، همانطور که بحث خود را در مورد فصل ۸ یوحنا به پایان می‌رسانیم، دوباره با آن سخنان عیسی مواجه می‌شویم که تکرار اشعیا فصل ۴۸، آیه ۱۲، در میان سایر متون عهد عتیق است.

همانطور که اشعیا نبی سخنگوی خدا برای صحبت با اسرائیل بود، بنابراین یک پیامبر بزرگتر، یسوعا، عیسی به عنوان سخنگوی خدا با اسرائیل صحبت کرد. عیسی، همانطور که اشعیا به اسرائیل می‌گفت، به من گوش دهید، ای یعقوب و ای اسرائیل که من شما را خوانده‌ام، من او هستم، من اولین هستم و من آخرین هستم. عیسی گفت، اگر باور نکنید که من او هستم، در گناهان خود خواهید مرد، قبل از اینکه ابراهیم به وجود بیاید، قبل از اینکه او به دنیا بیاید، من هستم.

این دکتر دیوید ترنر است که در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا است. این جلسه دهم، «زمان‌های پرتنش در اورشلیم» است. عیسی همچنان در معبد تعلیم می‌دهد (یوحنا ۸: ۱۲-۵۹).